



یادداشت

مکشی بر دفاع تمام قد وزارت اقتصاد پزشکیان از خصوصی سازی رانتي

صادق کار



وزارت اقتصاد دولت پزشکیان با ارسال نامه‌ای نسبت به گزارشی که خبرگزاری ایلنا تحت عنوان "نقدی بر برنامه های آقای وزیر/ موج خصوصی سازی در راه است" برای این خبرگزاری فرستاده است در واقع وجود موج خصوصی سازی در دولت را تأیید و تنها به توجیه آن پرداخته است. این گزارش در ۷ مرداد ماه در ایلنا منتشر شد و بواسطه بازخوردهایی که داشت وزارت اقتصاد را به واکنش وادار کرد.

البته در اینکه "موج خصوصی سازی" سالهاست در حکومت توسط دولتهای تাকنونی دنبال شده است و در دولت پزشکیان و با اذن خامنه‌ای شدت بیسابقه‌ای بخود گرفته هیچوقت ذره‌ای جای شک و تردید وجود نداشته است.

خامنه‌ای خود نقش اصلی را از ابتدا تا کنون در ارتباط با آنچه خصوصی سازی نامیده شده ولی در واقع غارت اموال عمومی توسط ذوب شدگان در ولایت و مانند فساد ها نوعی رشوه و رانت دهی خامنه‌ای به حامیان حکومت برای مصون نگه داشتن تسلط خود بر ثروتهای کلانی است که بنام انفال حکم ملک طلق او را دارد.

اختلاف بر سر خصوصی سازی و چگونگی اجرا و حد و مرز آن به زمان نخست وزیری موسوی بر می گردد.

در آن هنگام که موسوی نخست وزیر بود و خامنه‌ای رئیس جمهور، آنها بر سر کنترل سیاست بازرگانی خارجی و سهم و نقش دولت و همچنین بر سر عدالت اجتماعی در آن با هم اختلاف شدید داشتند. انتصاب عسگر اولادی مسلمان بازاری و موتلئغه چی به سمت وزیر بازرگانی در واقع بازتاب بخشی از این کشاکش بود.

خامنه‌ای بعد از جلوس به مقام رهبری با تغییر اصل ۴۴ ابتدا اختیار اصلی بازرگانی خارجی را از دولت گرفت و آن را به تجار بازار سپرد، سپس زیر عنوان خصوصی سازی راه را برای غارت هم پیمانان سیاسی نوکیسه خود بازگذاشت. سپس با بر کشیدن طرفداران خصوصی سازی و خصولتی سازی و سپردن اختیارات دولتی و حکومتی به آنها این روند را تثبیت و شتاب داد. در دولت رئیسی واگذاری واحد های کلان تولیدی به



وابستگان به قدرت که با استفاده از رانت قدرت و غارت و اختلاس به ثروت و موقعیت های سیاسی تعیین کننده رسیده بودند و همچنین در دولت پزشکیان به همراه پیشبرد ریاضت اقتصادی شتاب بیشتری گرفت

از همان آغاز روند خصوصی سازی حذف قوانین حمایتی به سود سرمایه داران نو کیسه و رانتخور پا به پای خصوصی سازی پیش رفت و در جریان این پروسه بود که تعدادی از وزرا، نمایندگان مجلس، فرزندان روحانیون، سرداران سپاه، کارگزاران بلند مرتبه در دستگاه قضایی، امامان جمعه به مولتی میلیاردر تبدیل شدند و طبقه حاکم فاسد کنونی را قوام دادند

وزارت اقتصاد در بخشی از پاسخهای وزیر خود به گزارش مذکور، علت فسادها و سایر پیامدهای خصوصی سازی را در اجرای نادرست آنها عنوان می کند، ولی واقعیت این است که وزیر اقتصاد نمی تواند حتی یک مورد از این به اصطلاح خصوصی سازی ها را بعنوان نمونه بیاورد که بطرز سالم و بدون فساد انجام شده باشد. در هیچ دولتی حتی یک نمونه را نمی توان نشان داد

افشای جزئیات فساد تعدادی از واحد های خصوصی سازی شده، مانند، هفت تپه ماشین سازی های تبریز و اراک، پتروشیمی ها، کشت و صنعت ها، ارج... نمونه هایی هستند که البته هنگام دعوای مافیاهای حکومتی بر سر سهم و یا توسط کارگران افشا و از پرده بیرون افتاده اند. بخشی نیز بعنوان حق السکوت به نهادهای نظامی امنیتی داده شده که شرکت عظیم و پر درآمد مخابرات تنها یک نمونه از آنهاست

در یکی از پاسخهای وزارت اقتصاد به دروغ ادعا می شود که تدابیر لازم برای رعایت حقوق کارگران بعد از واگذاری در نظر گرفته شده. این در حالی است که در تمام واحدهای واگذار شده، کارگران زیاد را اخراج، عده زیادی را از رسمی به قراردادی تبدیل و حقوق قانونی کارگران را پایمال کرده اند. افزایش کارگران قرار داد موقت به ۹۷ درصد نیروی کار، گرفتن قرارداد سفید امضا همراه با سفته قبل از استخدام، پرداخت نکردن به موقع دستمزدها، رعایت نکردن امور ایمنی و بهداشت محیط کار، رد نکردن حق بیمه و... این ها همه پدیده هایی هستند که همزاد خصوصی سازی از نوع ایرانی آن هستند و دروغ بودن ادعاهای وزارت اقتصاد را که بطور درستی در اختیار اتاق بازرگانی و مجری تمایلات آن هستند را می رساند

در جای دیگری ادعا می شود که غرض از خصوصی سازی بخاطر سپردن کار مردم به مردم است، اما نمی گویند اگر اموال عمومی و متعلق به همه ی مردم است چرا فقط عده قلیل معینی که بدون استثنا از وابستگان به حکومت هستند باید از این حق بهر مند شوند. ای کاش بهمین هم غناقت می شد و به محض تصاحب کارخانه شروع به از بین بردن حق قانونی کارگر نمی کردند و محل های کار را لاقط پادگانی نمی کردند.

جعل آمار

در مورد سهم بخش دولتی و خصوصی به جعل آمار متوسل می شوند زیرا که آمار واقعی در هیچ موردی در اختیار مردم قرار نمی گیرد. می گویند بیش از ۸۰ درصد واحدهای صنعتی زیر ۵۰ و ۱۰ نفر کارگر دارد. و ما می دانیم که اکثر این واحدها خصوصی بوده و هستند. با این اوصاف ادعا می کنند که بیش از ۸۰ درصد واحدها دولتی است! غرض از این جعل زمینه سازی جهت تصاحب بقیه شرکتهای دولتی است. در این مورد آمار را کاملاً وارونه می کنند



بخش خصوصی را اگر با همه ی اجزا آن در نظر بگیریم بزرگتر از بخش دولتی است. دعوا فقط بر سر واحدهای متوسط نیست بسیاری از واحدهای کلان صنعتی نیز یا در دست بخش خصوصی یا خصوصی است. حتی سهم بخش خصوصی از درمان که باید عمومی باشد بیشتر از بخش دولتی است. در آموزش نیز علاوه بر بسیاری از دانشگاه ها که خصوصی شده اند، مدارس ابتدایی و متوسطه نیز بخش خصوصی شده اند. طبعا وقتی که وزیر صنعت بی مال و منالی مانند نعمت زاده پس از چند سال وزارت صاحب بالغ بر هزار میلیارد دارایی و کارخانه می شود، یا کسی وزیر بهداری می شود که صاحب دو بیمارستان بزرگ است، یا سردارنی مانند صادق محصولی به چنان ثروت عظیمی می رسد و ثروتهای عسگر اولادی ها و بادامچی ها و شرکا سر به فلک می کشد، نمی شود از وزیر اقتصاد که ممکن است ثروت خودش هم کمتر از بقیه نباشد، انتظار داشت در سایه استبداد به راه مردم برود و به اسم منافع عمومی ثروتهای کشور را به بهانه سپردن کار مردم به دست مردم بین رانتخوران خودی تقسیم نکند.

اگر برویم پرونده این به اصطلاح خصوصی سازی ها را زیر و رو کنیم یک مورد، حتی یک مورد را پیدا نمی کنیم که بنگاهی به یک آدم غیر حکومتی واگذار شده باشد. هرگاه یک ثروتمند غیر حکومتی پیدا شود که از جا و مکان دیگری برای شرکت در مزایده ظاهری یکی از این بنگاه ها شرکت کند، باید خیلی شانس بیاورد که سر از زندان اوین در نیاورد و بنام جاسوس تا لخت اش نکنند بگذارند به همان جایی که آمده برگردد.

اما علل عمده بیزاری طبقه کارگر از بخش خصوصی به رفتار این بخش با حقوق نیروی کار بر می گردد. بخش خصوصی حداکثر تلاش خود را بکار می بندد تا حقوق کارگر را تضعیف کند، دستمزد کمتری می دهد، امنیت شغلی کارگر را سلب می کند، هزینه پزشکی و درمانی و خدمات آموزشی و زندگی را برای مردم عادی سنگین می کند و حاضر نیست وجود اتحادیه های کارگری و حق اعتصاب را تحمل کند. افزون بر اینها بخشی از درآمدهای شرکتهای دولتی و عمومی را که باید صرف خدمات عمومی در جامعه شود پس از خصوصی سازی از آن خود می کنند. حتی در کشورهای پیشرفته که دموکراسی و آزادی و فعالیت احزاب و اتحادیه های کارگری مجاز شمرده می شود کارگران با خصوصی سازی بنگاه های دولتی مخالف اند، چون می دانند باعث افزایش نفوذ سیاسی سرمایه داران می شود و افزایش قدرت در تصمیم گیری و سیاست گذاری آنها را فراهم و باعث تضعیف حقوق طبقه کارگر می شود. اینها که ذکر شد هیچ کدام ساخته و پرداخته ذهن من نیست عین واقعیات برآمده از جامعه است و بخش خصوصی ایران کنونی یکی از بدترین نمونه های آن در جهان است. بنا بر این ادعای "سپردن کار مردم به مردم" که ورد زبان مدافعان خصوصی سازی است، خلاف واقع، سلب حقوق از اکثریت جامعه به نفع طبقه سرمایه دار است که شمار آنها کمتر از ۱۰ درصد جمعیت کشور است. این اقلیت حداکثر ۱۰ درصدی مانند مالک کشور با بقیه مردم برخورد می کند و همه چیز را یکجا برای خود می خواهد. حکومت نیز در بست در خدمت این اقلیت قرار دارد و گزافه نیست اگر بگویم دولت پزشکیان کارگزار اتاق بازرگانی است

اتحاد رمز پیروزی است!

متحد و متشکل علیه فقر و استبداد برای نان و آزادی!



تحول اندیشه در باره فقر: بررسی تعاملات بخش چهاردهم

Lyn Squire و لین اسکوائر Ravi Kanbur نوشته راوی کانبور



4 توسعه انسانی

4.3 توسعه انسانی و رشد - ادامه

بیشتر کشورهای شرق آسیا، پیش از بحران مالی سالهای آخر قرن گذشته دستاوردهای ممکن در مبارزه با فقر را آشکار کرده بودند. فقر در شرق آسیا به طور چشمگیری کاهش یافته بود: از سال 1975، که حدود شش نفر از هر ده نفر در فقر مطلق زندگی می‌کردند، تا سال 1995 این نسبت به حدود دو نفر در ده نفر کاهش یافته بود. همزمان با این روند، و تا حدی به عنوان محرک آن، دولتها از طریق اختصاص بودجه عمومی بیشتر به آموزش و بهداشت روی سرمایه انسانی سرمایه گذاری کرده بودند. در همین بازه 20 ساله، امید به زندگی بیش از 9 سال افزایش یافت، میانگین سالهای تحصیل 60 درصد رشد کرد، و نرخ مرگ و میر نوزادان از 73 مورد در هر هزار تولد به کمتر از نصف یعنی به 35 مورد در هزار تولد کاهش یافت. اگرچه این دستاوردها به میزان معینی در جریان بحران مذکور از دست رفتند، اما اثرات ماندگار آنها همچنان نشانه ای از پیشرفتی است که در هیچ نقطه دیگری از جهان دیده نشده است.

چندین مطالعه تجربی اخیر در سطح خانوار که از داده‌های ترکیبی (داده های پانلی)** استفاده کرده‌اند، شواهد بیشتری در تأیید ارتباط قوی میان توسعه انسانی و رشد درآمد به دست می‌دهند. برای نمونه، یک پانل شامل 891 خانوار در پرو طی سالهای 1994 تا 1997 مورد بررسی قرار گرفت. این مطالعه نشان داد که هرچه سطح تحصیلات سرپرست خانوار در سال 1994 بالاتر بوده، رشد مخارج سرانه خانوار در سالهای بعد بیشتر نیز بوده است. به طور مشابهی، داده‌های پانل مربوط به 2678 خانوار ویتنامی در بازه زمانی 1993 تا 1998 نیز به همین نتیجه رسیدند. این مطالعه نشان داد در حالی که به طور میانگین خانوارهایی که سرپرست آنها هیچ گونه تحصیلاتی نداشت با کاهش مخارج سرانه مواجه شده بودند، معیشت تمام خانوارهایی که سرپرست آنها تحصیلات ابتدایی یا بالاتر داشتند، با افزایش مخارج سرانه همراه شده بود. قابل توجه این که این افزایش برای خانوارهایی با تحصیلات متوسطه و بالاتر، سه برابر خانوارهای با تحصیلات ابتدایی بود.

گنجاندن ابعاد دیگر فقر، مانند طول عمر و سوادآموزی، در تعریف ما از فقر، دامنه ابزارهای سیاست‌گذاری برای کاهش فقر را به طور قابل توجهی گسترش می‌دهد. حتی اگر درآمد افراد افزایش نیابد، سیاستهایی که سلامت آنها را بهبود می‌بخشد و توانایی‌هایشان را در جذب و تبادل اطلاعات افزایش می‌دهد، موجب بهبود کیفیت زندگی‌شان می‌گردد. اما، و این همان درس ماندگار شرق آسیا پیش از بحران مذکور است، زمانی که سیاستها و برنامه ها برای ارتقای سلامت و گسترش آموزش با اقدام دولت برای ترویج سرمایه‌گذاری و



رشد فراگیر همراه می‌شوند، منافع حاصل برای تهیدستان بسیار چشمگیرتر خواهند بود. انجام پژوهشهای کشوری بیشتر برای روشن ساختن تعادل مناسب میان سیاستها در کشورهای با سطوح مختلف توسعه، می‌تواند درسهای ارزشمندی به همراه داشته باشد. انتقال این درسها به کشورهای جنوب صحرای آفریقا و آسیای جنوبی، که 70 درصد تهیدستان جهان در آنها زندگی می‌کنند، همچنان یکی از چالشهای مهم در مبارزه با فقر است. با این حال حتی، در حالی که این چالش هنوز پاسخ نیافته باقی مانده است، چالشهای تازه ای در حال نمایان شدن اند. ریسکهای ناشی از نوسانات شدید در جریان سرمایه، اکنون در شرق آسیا به روشنی قابل مشاهده اند؛ و چنان که در بخش بعدی بررسی خواهیم کرد، این تهیدستان جوامع اند که با اشکال گوناگون این ریسکها مواجه اند.

منظور بحرانی است که به عنوان «بحران مالی آسیای شرقی» در اواخر دهه 90 قرن گذشته کشورهای شرق آسیا را دربر گرفت. این بحران در سال 1997 آغاز شد و تأثیرات گسترده ای بر اقتصاد کشورهای جنوب شرقی و شرق آسیا گذاشت.

نوعی از داده‌های آماری اند که اطلاعات چندین واحد (Panel Data) داده‌های ترکیبی یا داده های پانلی ** آماری (مثل افراد، خانوار، شرکت یا کشور) را در چند بازه زمانی مختلف دنبال می‌کنند.

نه به جنگ و استبداد آری به صلح و آزادی

تجاوز دولتهای جنایتکار اسرائیل به ایران را محکوم می‌کنیم

جنبش های اعتراضی سر بلند می کنند

صادق



در دوسه هفته اخیر به دنبال آتش بس اعتراضات اجتماعی خصوصا اعتراضات کارگری با سرعت زیاد در حال گسترش هستند. تنها در طول این هفته دهها اعتراض کارگری را شاهد بوده‌ایم.

شروع و شتابگیری اعتراضات نشان داد که علت سکون اعتراضات در دوره جنگ ۱۲ روزه بر خلاف آنچه مقامات حکومتی تبلیغ می‌کنند، بواسطه رضایت کارگران از سیاستهای اقتصادی ریاضتی حکومت نبوده و دلیل اصلی آن عدم تمایل زحمتکشان به همراهی با تجاوزگران خارجی برای تسلط بر کشورشان و تحمیل



یک دیکتاتوری دست نشانده سلطنتی بجای رژیم فقاhtی بوده است. اگر نه زمینه های نارضایتی و اعتراض که قبل از تجاوز اسرائیل و امریکا وجود داشت بعد از آتش بس نه تنها کاهش پیدا نکرده بل که در اثر جنگ و پیامدهای آن و همچنین نیمه تعطیلی بنگاه های تولید، اخراج های گسترده، پرداخت نکردن به موقع دستمزدها، افزایش شدید تورم و مواد خوراکی و بی برقی و بی آبی بسی بیشتر شده و عملا به وخامت بیشتر وضعیت معیشتی و اقتصادی عموم مردم خاصه مزد و حقوق بگیران دامن زده است

بر اساس آمار های رسمی که همیشه باب مذاق حکومت مهندسی می شوند تا ابعاد واقعی بحرانها و وضعیت واقعی زندگی مردم را لاپوشانی کنند، نرخ تورم در ماه گذشته شکسته شد و به استتیبش از ۷۱ درصد افزایش یافته است. گزارش رسانه ها حاکی از افزایش قیمت مواد خوراکی بین ۷۰ تا ۸۰ درصد نسبت به سال گذشته است

در همین هفته دوباره قیمت نان لواش و بربری در تهران بین ۳۱ تا ۳۹ درصد رسما افزایش یافته این در حالی است که رئیس اتحادیه نانوايي ها خواستار افزایش حداقل ۵۲ درصد قیمت در تهران و ۴۲ درصد در شهرهای دیگر شده است. خبر هایی هم از دوبرابر شدن قیمت نان سنگک حکایت دارد

قیمت گوشت و لبنیات نیز بواسطه عدم اختصاص ارز یارانه ای برای ورود خوراک دام احتمالا به رشد شتابان خود ادامه خواهد داد. اگر افزایش قیمت نان و خوراکی ها را مد نظر قرار دهیم روشن است که همه اینها به نوبه خود به افزایش تورم و هزینه های زندگی و افت سطح معیشت و زندگی مردم منجر خواهد شد

با وجود اینها دولت و مجلس حاضر نیستند دستمزدهای کارگران و سایر مزد و حقوق بگیران را که قبل از جنگ نیز به زحمت کفاف یک سوم هزینه های زندگی حداقلی را می داد به رغم تقاضاهای مکرر آنها برای افزایش حقوق اضافه کنند

گرانی و غیر قابل تحمل شدن هزینه های زندگی و امتناع دولت و کارفرمایان یکی از مهمترین محرک های اعتراضات و گسترش آنهاست

برخلاف طرفداران حکومت و بخش خصوصی که مدعی هستند فقر باعث قیام و انقلاب نمی شود و با این استدلال کلیشه ای سعی می کنند با خیال آسوده به سیاستهای فقیر سازانه خود ادامه دهند، این حجم از اعتراضات در ایران که فقط مزدبگیران را شامل نمی شود، فقرا را بسوی قیام و انقلاب می راند

موارد دیگری هم هستند که باعث افزایش انفجاری اعتراضات طبقه کارگر و زحمتکش و بی چیز شدگان شهری و روستایی و همراه شدن آنها با یکدیگر در صفی واحد خواهد شد و آن حلقه های پیوند دهنده وجود فقر عمومی، شکاف عمیق طبقاتی، تبعیض و نابرابری، وجود سرکوب، استبداد و فساد عریان مقامات حکومتی و وجود حکومتی ستمگر و سرکوبگر و اشرافی است که مرزی در ستمگری و استثمار و غارت برای خود قائل نیست و مسئول اصلی تمام فجایعی است که در کشور ساری و جاری است

تجاوز جنایتکارانه اسرائیل و امریکا با وجود اینکه خسارات انسانی و مالی زیادی بر مردم ایران تحمیل کرد اما بخشا به نفع رژیم تمام شد. این تجاوز باعث فروکش کردن موقت اعتراضات رشد یابنده توده ای شد، به تشدید استبداد و اختناق یاری رساند، به رژیم بهانه داد مبارزان مدنی و سیاسی پیگیر را مجازات و عده ای از آنها را از میان بردارد، کمک کرد با استفاده از این تجاوز جهت مبارزات دمکراتیک و عدالتخواهانه مردم را از مسیر خود موقتا منحرف کند. از بین بردن تاثیرات جنون جنگی ناتانیاهو و ترامپ، زمان خواهد برد و فرصتی در



اختیار رژیم قرار می دهد تا سرکوب مخالفان واقعی رژیم را ادامه دهد. رژیم همه ی اینها را مدیون ناتانیاهو و ترامپ است.

قبل از جنگ اعتراضات کارگری و اجتماعی روز به روز گسترده تر می شد. شعارهای معترضین و تظاهر کنندگان صریحتر و شفافتر و فراگیرتر می شد، نزدیکی و همراهی در تظاهرات در حال افزون بود، درخواست آزادی زندانیان سیاسی و لغو مجازات اعدام به یک خواست عمومی معترضین تبدیل شده بود، مبارزه با رژیم به میان زندانیان سیاسی امتدا پیدا کرده بود، زنان نقشه رژیم برای تحمیل حجاب اجباری را به شکست کشانده بودند، کارگر، معلم، بازنشسته، کشاورز، و پرستار نانوا و کسبه خرد و متوسط در حال نزدیکی به هم و خلق یک جنبش نیرومند و متشکر سراسری دیگر بودند. جنگ ۱۲ روزه در این پروسه اخلالی هر چند موقت بوجود آورد.

اما بعد از آتش بس دوباره همه ی اینها به تکاپو افتاده اند، همگی نیز به اندازه کافی انگیزه برای تداوم و گسترش اعتراض شان دارند. از سرگیری جنگ به ضرر اعتراضات دمکراتیک، مردم و بسود نیروهای ارتجاعی است، بکوشیم همراه با مبارزات دمکراتیک علیه جنگ و حفظ صلح هم که خواست اکثریت بزرگ مردم است مبارزه کنیم

مجلس هم اگر تصویب کند دولت و واسطه ها آن را اجرا نخواهند کرد

ع امید



عده ای از کارگران شرکتی که پیگیر طرح تبدیل کارگران شرکتی به رسمی در مجلس هستند، در اشاره به عدم تصویب این طرح به خبرگزاری ایلنا گفته اند، از این همه رفت و آمد و بلا تکلیفی طرح پس از بیش از سه سال خسته شده اند.

سه سال و اندی پیش در پی اعتصاب بزرگ کارگران شرکتهای پیمانکاری نفتی مسئولین دولتی با وساطت مجلس به کارگران قول دادند با تهیه طرحی و تصویب آن در مجلس، وضعیت استخدامی آنها را از پیمانی به رسمی که مهمترین دلیل اعتصاب بود فراهم نمایند

اما با گذشت بیش از سه سال از ماجرا مجلس همچنان کارگران را سر می دواند و آنها را از این هفته به هفته بعد حواله می دهد. در هفته پایانی آن اعتصاب کارکنان رسمی نفت که خواستهای صنفی متفاوتی داشتند به اعتصاب پیوستند. خواسته های کارکنان رسمی حذف سقف مزد، اجرای قانون معافیت مالیاتی که به آنها تعلق می گرفت و یک سری خواسته هایی بود که قبلا داشتند ولی از آنها گرفته شده بود



زننگه که در آن ایام وزیر نفت بود وقتی سببه را پرزور دید ابتدا سعی کرد بین کارگران رسمی و غیر رسمی تفرقه بیندازد و

سپس قول داد با کمک مجلس سقف مزدی و مالیاتی کارکنان رسمی نفت را که باعث جلوگیری از افزایش حقوق و باعث افزایش مالیات آنها می شد را رفع کند

به کارگران پیمانی نیز گفت موضوع آنها به شرکت نفت مربوط نیست و بروند مشکل شان را با پیمانکاران حل و فصل کنند، اما بعد از گذشت سه سال نه زننگه و مجلس خواسته‌های کارکنان رسمی نفت را تامین کرده‌اند نه قانون تبدیل وضعیت کارگران شرکتی و رسمی را

بطوری که در همین هفته کارگران رسمی نفت در برخی مناطق چند بار تجمع و خواستار همان مطالباتی شدند که سه سال پیش زننگه و مجلس قول تامین آنها را داده بودند

هر زمان که اعتراضات برای این خواسته ها از سر گرفته می شود، مجلس دوباره برای جلوگیری از همه گیر شدن اعتراض و تبدیل آن به اعتصاب منجر به توقف تولید سعی می کند با دادن وعده رسیدگی از بالا گرفتن اعتراض جلوگیری کند

در این میان یک تشکل از جنس شوراهای اسلامی هم درست کرده‌اند که قضیه را در مجلس پیگیری کند و در واقع نقش سوپاپ اطمینان را به عهده اش گذاشته‌اند تا مانع بر سر راه اعتصاب بوجود آورد، خبرگزار ایلنا نیز هر وقت اعتراض زیاد می شود به سراغ این افراد می رود تا بیایند و بگویند دارند قضایا را پیگیری می کنند تا به سرانجام برسانند

این بازی سه سال است که ادامه دارد ولی به نتیجه نرسیده، زیرا صاحبان شرکتهای پیمانی سود سرشاری از بابت کار پیمانی به جیب می زنند و در صورت تصویب طرح رسمی کردن کارگران بخشی از این سود هنگفت را از دست می دهند، بنا بر این حتی اگر مجلس هم طرح را تصویب کند و شورای نگهبان و مجلس تشخیص مصلحت هم آنرا تأیید کنند بازهم نفوذ صاحبان شرکتهای پیمانکاری در درون نهادهای قدرت به اندازه‌ای زیاد است، که جلوی اجرای طرح را مانند سایر قوانینی که وجود دارند اما اجرا نمی شود خواهند گرفت، در این آشفته بازار تنها یک راه برای تصویب و فراهم کردن اجرای عملی آن وجود دارد و آن اعتصاب کارکنان رسمی و پیمانی به نحوی است که موجب توقف تولید گردد است

کمیته‌های اعتصاب را در کارخانه‌ها و ادارات تشکیل دهیم!

اتحاد، اعتراض، نبرد تا رهایی!

از مبارزه زنان علیه تبعیضات جنسی و برای برابری حمایت کنیم!



یکشنبه (۱۲ مرداد ماه) جمعی از بازنشستگان صنعت فولاد در اصفهان با حضور در تجمع صنفی، خواستار اصلاح همسان سازی حقوق در چار چوب تعهدات قانونی صندوق های بازنشستگی شدند. بازنشستگان تأمین اجتماعی نیز در ۱۲ مرداد در اهواز و تهران مقابل سازمان تأمین اجتماعی تجمع کردند، افزایش حقوق، اجرای همسان سازی و بیمه کارآمد و پرداخت به موقع حقوق و تصفیه بدهی ها تأمین اجتماعی به بازنشستگان مهمترین مطالبات تظاهرات روز گذشته بازنشستگان است



تجمع کارکنان عملیاتی نفت در اهواز

روز دوازده مرداد کارکنان رسمی عملیاتی معترض در جنوب جهت پیگیری خواسته های خود مقابل ستاد ۵ اهواز تجمع کردند: حذف سقف حقوق، ترمیم و افزایش کف حقوق، حذف سقف پاداش بازنشستگی و محاسبه سنوات بالای ۳۰ سال در صنعت نفت، اجرای ماده ده و پرداخت معوقات آن خواسته های اصلی کارکنان عملیاتی عنوان شده است





تجمع بازنشستگان ۱۴۰۰ مقابل سازمان برنامه و بودجه و مجلس

بازنشستگان فرهنگی در سال ۱۴۰۰ برای دریافت معوقه رتبه‌بندی که هنوز بعد از ۴۶ ماه ۵۰ درصد آن واریز نگردیده است در مقابل مجلس تجمع کردند.

به گفته برخی شرکت‌کنندگان این تجمع به کانال شورای هماهنگی، در حالی که در فیش‌های حقوقی تیر ماه ۵۹ درصد آورده شده بود و حتی کسورات آن را هم کم کرده بودند ولی در اقدامی عجیب و غیرقانونی هنوز این معوقه پرداخت نشده است.



فروغ خسروی معلم پایه ابتدایی، علیرغم گذشت یک هفته از زمان بازداشت، کماکان در یکی از بازداشتگاه‌های امنیتی بهبهان در بلاتکلیفی به سر می‌برد. بی‌خبری از وضعیت این معلم، منجر به نگرانی خانواده و اطرافیان وی شده است.



اخراج هزاران معلم و کارمند آمریکایی با دستور ترامپ

در حالی تعدیل (RIF) نزدیک به ۱۴۰۰ کارمند این وزارتخانه به عنوان بخشی از طرح کاهش گسترده نیرو «می‌شود که ترامپ می‌گوید: «نظام آموزش و پرورش ما دیگر کار نمی‌کند».

، قرار است تا پایان این هفته (یکشنبه روز تعطیل (NPR) به گزارش ایلنا و به نقل از رادیو ملی عمومی آمریکا (آمریکایی‌ها) صدها کارمند دولتی آموزش و پرورش و معلمان رسمی، در آمریکا به مرخصی بلند مدت فرستاده شده و سپس اخراج شوند.



برای صدها کارمند دولت و معلم، یکشنبه روز پایان کارشان در وزارت آموزش و پرورش ایالات متحده است، اگرچه اکثر آنها از ماه اسفند سال گذشته به مرخصی فرستاده و بعداً اخراج شده‌اند؛ این کارمندان طیف وسیعی از کارها را انجام می‌دادند، از اقدامات مدیریت حوزه آموزش تا حقوق صنفی دانش آموزان و امور مالی، اما همه جز تعدیل شدگان هستند.

چاره کارگران وحدت و تشکیلات مستقل است!

همه با هم برای آزادی زندانیان سیاسی و کارگری متحدانه مبارزه کنیم!

از مبارزه کارگران و مزد و حقوق بگیران شاغل و بازنشسته برای افزایش دستمزد حمایت کنیم!

از مبارزه کارگران قراردادی و پیمانی برای لغو کار پیمانی و قرارداد های اسارتبار موقت حمایت کنیم!

*** برای تماس با نشریه "جنگ کارگری" می توانید با آدرس زیر تماس بگیرید:**

*** "جنگ کارگری" نشریه گروه کار کارگری حزب چپ ایران را می توانید در آدرس زیر ببینید:**

<https://bepish.org/taxonomy/term/457>